

عوامل مؤثر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس در بین معلمان زن استان ایلام⁻

حسن مؤمنی^{*۱}

بهروز سپیدنامه^۲

زهرا حسن‌پور امنیه^۳

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس معلمان زن استان ایلام بود. **روش:** روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر نوع تحقیق نیز، کاربردی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۸۰۰ معلم در سال ۱۳۹۷-۹۸ با حجم نمونه ۳۲۰ نفر و روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چند مرحله بود. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفت و میزان پایایی (آلفای کرونباخ) آن برابر ۰/۸۴ حاصل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چندگانه استفاده شد. **یافته‌ها:** تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند سن ($P=0/000$ و $R=-0/55$)، سطح تحصیلات ($P=0/000$ و $R=-0/47$) و سنوات خدمت ($P=0/000$ و $R=-0/45$) با به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معنادار اما منفی دارند. همچنین متغیرهای مسئولیت اجتماعی ($P=0/000$ و $R=0/48$) و نگرش ($P=0/000$ و $R=0/7$) با به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معنادار و مثبت دارند. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نیز نشان داد بین دوره تدریس معلمان و به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معناداری وجود دارد. بدین شکل که معلمان ابتدایی نسبت به متوسطه بیشتر از روش‌های نوین تدریس استفاده کرده‌اند. تنها دوره‌های ضمن خدمت ($P=0/133$ و $R=0/10$) با متغیر وابسته فاقد رابطه بود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از این بود چهار متغیر باقیمانده در مدل یعنی نگرش، سن، دوره تدریس و سطح تحصیلات توانستند (ضریب تعیین $R^2=0/60$) حدود ۰/۶۰ واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. **نتیجه‌گیری:** با عنایت به اینکه مشخص شد نگرش معلمان بالاترین نقش در پیش‌بینی به کارگیری روش‌های نوین تدریس دارد لذا متولیان نظام آموزش و پرورش باید در جهت تغییر نگرش معلمان نسبت به روش‌های نوین تدریس گام بردارند.

واژگان کلیدی: معلمان زن، روش‌های نوین تدریس، نگرش

⁻ مقاله حاضر مستخرج از طرح تحقیقاتی است که با حمایت مالی معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است.

^۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hasan1841@gmail.com.

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

^۳ دکتری حرفه‌ای پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.

مقدمه

معلم مهم‌ترین منبع انسانی و کارگزار اصلی انتقال مواد آموزشی و هر گونه تغییر به دانش‌آموزان است. از این‌رو، فراهم کردن سطح بالای کیفیت نظام آموزشی به سطح کیفیت معلم و فرایند تدریس وابسته است (جویتی و شارما^۱، ۲۰۰۶). فرایند تدریس، شامل همه آن اقداماتی است که معلمان تهیه و برای دانش‌آموزان سازمان‌دهی می‌کنند. تدریس به منظور رشد مهارت‌ها و شخصیت دانش‌آموز در مواجهه با چالش‌های زندگی و ایجاد تغییرات مطلوب است (براتیانو^۲، ۲۰۰۷؛ آینی^۳، ۲۰۱۱؛ تیابیل و کاسای^۴، ۲۰۱۱).

در پرتو تغییرات اخیر مبتنی بر یادگیری مادام‌العمر و ظهور فناوری‌های نوین، روش‌های تدریس نیز دچار تغییرات عمیقی شده‌اند. آموزش‌های سنتی حفظ محور، فقط دانشی تولید می‌کردند که دانش‌آموز به صورت تنها و مستلزم تعقیب سخنرانی معلم بود. اما در آموزش‌های مدرن، آموزش همکاری جویانه است و دانش‌آموز با معلم خود تعامل دارد. در شیوه‌های نوین، معلم نقش تسهیل‌گر داشته و صرفاً فرایند یادگیری را اداره می‌کند (کونتو^۵، ۲۰۱۷). محققین ثابت کرده‌اند که موفقیت تحصیلی برای دانش‌آموزانی که با روش‌های نوین و فعال آموزش دیده‌اند قابل پیش‌بینی است (بی‌پل و کای^۶، ۲۰۱۰؛ یودسن^۷، ۲۰۱۰). این روش‌ها موجب ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری بیشتر می‌شوند (لیمک^۸، ۲۰۱۰). دانش‌آموزان سطح دانش خود را ارزیابی می‌کنند و سطح همکاری‌ها ارتقاء می‌یابد (درنت و ملیسن^۹، ۲۰۰۸). سرانجام فراتر از آموخته‌های آموزشی، دانش‌آموزان «تفکر انتقادی»^{۱۰} و «مهارت حل مسئله»^{۱۱} را فرا می‌گیرند (فالون^{۱۲}، ۲۰۱۰) و تعاملات و همکاری‌های بهتر و ارتباطات اجتماعی در بین آنان افزایش می‌یابد (استیونز و بروان^{۱۳}، ۲۰۱۱؛ یانگ و تسای^{۱۴}، ۲۰۱۰).

زنان معلم نسبت به هم‌تایان مرد در تدریس نقشی به مراتب مهم‌تری دارند. آنان علاوه بر ایفای نقش حرفه‌ای خود یعنی تدریس، در محیط خانواده نیز ایفاگر نقش خانه‌داری هستند. از این‌رو، تدریس برای زنان مفهوم و معنایی گسترده‌تر دارد. شماری از مطالعات (برای نمونه اسکافی و قیس، ۱۳۹۱؛ ذاکری، ۱۳۹۰؛ آقاملایی، ۱۳۸۶؛ عمر و مهدیوسف، ۲۰۱۷ و لیتچنا و داگ نیو، ۲۰۰۹) نشان داده‌اند که زنان معلم نسبت به هم‌تایان مرد خود بیشتر از روش‌های نوین در تدریس بهره می‌گیرند. برخی دیگر از مطالعات (نظیر محمودی، ۱۳۸۱ و سایواکومار^{۱۵}، ۲۰۱۸) رابطه محکمی بین جنسیت و به کارگیری روش‌های نوین تدریس متصور نیستند. با این حال هنوز نظر متقنی در این رابطه به وجود نیامده است.

پیشینه موضوع نشان می‌دهد بیشتر مطالعات مربوط به روش‌های نوین تدریس، نسبت به متغیرهای دیگری (مانند موفقیت و پیشرفت دانش‌آموزان) سنجیده شده‌اند. در واقع، بیشتر بعد پیامدی روش‌های نوین تدریس مطالعه شده و بررسی خود عوامل مؤثر بر به کارگیری روش‌های نوین تدریس به ویژه معلمان زن کمتر انجام شده است. بنابراین پژوهش حاضر در صدد جبران

1. Jyoti & Sharma
2. Bratianu
3. Ayeni
4. Tebabal & Kahssay
5. Contu
6. Bebell & Kay
7. Judson
8. Lemke
9. Drent & Meelissen
10. Critical thinking
11. problem solving skills
12. Falloon
13. Stevens & Brown
14. Yang & Tsai
15. Sivakumar

این خلا پژوهشی به بررسی برخی عوامل فردی مؤثر بر به کارگیری روش‌های نوین تدریس معلمان زن پرداخته است. رحیمی‌مند و عباس‌پور (۱۳۹۵) در تحقیق خود به این نتیجه اشاره کرده‌اند که میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان با توجه به روش‌های مختلف تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) متفاوت است. همچنین به ترتیب روش‌های نمایش علمی، پرسش و پاسخ بر انگیزه پیشرفت دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند. قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با اولویت روش‌های فعال تدریس در درس تربیت بدنی بدین یافته‌ها اشاره می‌کنند؛ بین برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و مدرک تحصیلی دبیران با میزان به کارگیری روش‌های فعال تدریس رابطه مثبت و معنی‌داری اما بین سابقه تدریس و میزان به کارگیری این روش‌ها رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. ایوب فیضی و همکاران (۱۳۹۳) در فراتحلیل روش‌های تدریس گروهی بر بازده تحصیلی به این یافته اشاره کرده‌اند که استفاده از روش‌های تدریس گروهی (مشارکتی و بحث گروهی) در مقایسه با شیوه‌های سنتی مؤثرترند و به کارگیری این روش‌ها در نظام آموزشی کشور ما می‌تواند آثار مطلوبی بر بازده تحصیلی فراگیران داشته باشد. اسکافی و قیس در طرح تحقیقاتی خود (۱۳۹۱) معلمان زن و معلماتی که در رشته‌های زیر مجموعه‌ی علوم پایه، تجربی و مهندسی تحصیل کرده‌اند، به میزان بیشتری از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کنند. نهایتاً اینکه افزایش سن معلم به کاربرد کمتر روش‌های نوین تدریس می‌انجامد. ذاکری و همکاران در پژوهش خود (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که میان متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، میزان تحصیلات معلمان و نگرش آنها) و متغیرهای محل خدمت و سابقه خدمت نسبت به کاربرد فناوری‌های نوین آموزشی در فرآیند تدریس تفاوت معناداری وجود دارد.

جلیلیان و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند معلمان زن در برخورداری از مهارت‌های تدریس با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی، اجرا و ارزشیابی عملکرد بهتری در مقایسه با معلمان مرد دارند. آقاملایی و فرج الهی (۱۳۸۶) در تحقیقی نشان دادند بین ویژگی‌های فردی معلمان (نظیر جنسیت، سنوات خدمت، رشته و مدرک تحصیلی و دوره‌های ضمن خدمت با به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معناداری وجود دارد. سایواکومار^۱ (۲۰۱۸) در تحقیق خود با عنوان بررسی روش‌های نوین تدریس از منظر نگرش معلمان زن در هند به این نتیجه رسید که بین نگرش معلمان و حرفه تدریس و خودکارآمدی رابطه معناداری وجود ندارد. رافائل و ام. تی. بی^۲ (۲۰۱۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی مانند مانند نگرش‌ها و باورداشت‌های معلمان در حین خدمت و انتظار عملکرد^۳ نقش مهمی در بکارگیری روش‌های نوین تدریس دارند. عمر و مهدیوسف^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نتیجه گرفتند معلمان زن از آمادگی بیشتری نسبت به استفاده از روش‌های نوین تدریس از خود نشان داده‌اند. کالین و گرینی^۵ (۲۰۱۱) در تحقیق خود معتقدند که نگرش‌ها و باورهای معلمان در قبال فناوری‌های نوین تدریس مهم‌ترین پیش‌بین کننده این هست که آیا معلم مایل به ورود این فناوری‌ها در محیط کلاس هست یا خیر. لئود و گریسرد^۶ (۲۰۱۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین جنسیت و بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی و تدریس تفاوت معناداری وجود دارد و معلمان مرد نمره بالاتری نسبت به معلمان زن دارند. لیتچنا و داگ نیو^۷ (۲۰۰۹) در پژوهش خود دریافتند معلمان زن نسبت به به کارگیری روش‌های فعال و دانش‌آموز محور نگرش مثبتی دارند و همچنین حدود ۸۵/۰ آنان معتقد بودند روش‌های فعال موجب مشارکت دانش‌آموزان در تدریس می‌شود. ساجا^۸ (۲۰۰۷) عوامل نگرش

1. Sivakumar
2. Raphael & Mtebe
3. performance expectancy
4. Umar & Mohd Yuoff
5. Cullen & Greene
6. Loyd & Gressard
7. Latchanna & Dagnew
8. Suja

به حرفه شغلی، علاقمندی به آن و تجارب تدریس را در مسئولیت و تعهد معلمان زن مؤثر دانسته است. گوش و بایرگیا^۱ (۲۰۱۰) و ترسل و بنجامین^۲ (۲۰۱۱) در دو تحقیق مشابه دریافتند معلمان و دانشجو معلمان زن نگرش مطلوب‌تری به حرفه تدریس نسبت به مردان دارند. رانا^۳ (۲۰۱۱) نشان داد معلمان به طور کل نگرش مطلوبی به این قضیه دارند که روش‌های نوین تدریس سیستم محور، تأثیر خوبی در ارتقای پیشرفت دانش‌آموزان دارند. همچنین جنسیت فاقد معناداری است. بر اساس نظریه راجرز^۴ اشاعه فرآیندی است که از طریق آن نوآوری از مجاری مشخص و در طول دوره زمانی معینی، میان اعضای یک نظام اجتماعی انتشار می‌یابد (زانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). فرایند اشاعه شامل مراحل ذیل است: ۱- آگاهی؛^۶ زمانی است که شخص در معرض نوآوری قرار می‌گیرد و با آن روبرو می‌شود. ۲- انگیزش و اقبال^۷ در این مرحله، اطلاعات و نوآوری می‌باید فرد را برانگیزد و احتمالاً در آن نگرش ایجاد کند و این نگرش می‌تواند مثبت یا منفی باشد. ۳- تصمیم و ارزیابی؛^۸ در این مرحله، فرد می‌باید سودمندی بالقوه نوآوری را در نظر بگیرد و سپس آن را یا بپذیرد و یا طرد کند. ۴- اجراء؛^۹ اجراء این مرحله که در واقع مرحله استفاده از نوآوری است، کاربران می‌باید بدانند که نوآوری را چگونه و در چه زمانی به کار گیرند و ۵- مرحله پذیرش؛^{۱۰} در این مرحله، افراد به دنبال تأیید و تحکیم نوآوری پذیرفته شده هستند؛ یعنی وقتی نوآوری با موفقیت از مراحل قبل عبور کرد در ذهن فرد تثبیت می‌شود (پادل^{۱۱}، ۲۰۰۱). در واقع این نظریه فرایند مقاومت و یا پذیرش یک روش، ایده و فعالیت را نشان می‌دهد که چگونه افراد در مواجهه با آن موضع می‌گیرند. لذا اگر معلمان نگرش مثبت و آگاهی کافی از شیوه‌های نوین داشته باشند این انتظار خواهد بود که از روش‌های جدید تدریس استفاده کنند. همچنین مفهوم مسئولیت اجتماعی ناظر به این است که تعهدات فرد در قبال وظایف حرفه‌ای‌اش فراتر از هنجارهای قانونی یا حتی فراتر از محدودیت‌های اقتصادی است که فرد در دراز مدت در جهت منافع جامعه آنها را پی می‌گیرد (تناس و نیکولیتا^{۱۲}، ۲۰۱۳). مسئولیت‌پذیری دارای شاخص‌هایی از قبیل اهمیت دادن به وظایف، بر عهده گرفتن عواقب رفتار، پاسخ‌گویی و قابل‌اعتماد بودن است (احمدی، ۱۳۹۲: ۸۹-۱۸۸). فرد هر چه از مسئولیت‌ها (به ترتیب از اقتصادی- حقوقی- اخلاقی و فداکاری اجتماعی) نسبت به سازمانش حرکت کند هنجارها نیز به ترتیب از باید- مجبور است- بهتر است و مختار است تغییر می‌پذیرند. بنابراین می‌توان این فرض را مطرح نمود که بین مسئولیت اجتماعی و به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه وجود دارد.

در کشورمان نیز یکی از مهمترین مشکلات و مسائل نظام آموزشی در حیطه آموزش، عدم به کارگیری روش‌های نوین و فعال (یاددهی) از قبیل (تدریس گروهی، مشارکتی، یادسپاری، تدریس مبتنی بر محتوای الکترونیکی، خلاق و دانش‌آموز محور و ...) در آموزش و کم توجهی به رویکردهای فعال یاددهی و یادگیری است. این در حالی است که در سند تحول بنیادین بر کیفیت و غنای تدریس معلم اشاره شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). متأسفانه شناخت دقیقی از به کارگیری روش‌های تدریس جدید در بین معلمان به ویژه زنان وجود ندارد؛ اما مشاهدات میدانی و اظهارات برخی مسئولین حکایت از

1. Ghosh & Bairagya
2. Thersal & Benjamin
3. Rana
4. Rogers
5. Zhang
6. Knowledge
7. Motivation
8. Evalution
9. Performance
10. Reconstruct
11. Padel
12. Tānase & Nicoleta

این دارند که معلمین چندان از روش‌های تدریس فعال استفاده نمی‌کنند و همچنان با همان روش‌های متداول سنتی (سخنرانی و مرور کتاب) فرایند تدریس را به پایان می‌رسانند. بررسی دلایل و علل چنین عیب و نقصی در نظام آموزشی ما قابل تأمل و نیازمند مطالعه جدی برای حل چنین مشکلی است.

استان ایلام نیز یکی از استان‌های غربی کشور است. شواهد میدانی و اظهار نظرات برخی مسئولین استانی، اظهارات دانش‌آموزان و حتی خود معلمین حاکی از این واقعیت است که معلمین از روش‌های نوین تدریس مانند شیوه‌های فعال، تدریس مشارکتی، گروهی و سایر روش‌های مبتنی بر دانش‌آموز محور و ... بسیار اندک استفاده می‌کنند و یا رغبتی ندارند. این در حالی است که عدم استفاده معلمان از شیوه‌های نوین تدریس، علاوه بر اینکه یادگیرنده را از روش‌های جدید و دانش‌آموز محور محروم می‌کند؛ باعث فرسودگی و هدر دادن سرمایه‌های مادی تجهیزات و ابزارهای راکد و کمک آموزشی در مکان مدرسه می‌گردد. لذا استمرار این عیب و نقص باعث هدر دادن سرمایه‌های مادی و هم به معنای محروم کردن سرمایه‌های معنوی دانش‌آموزان از روش‌های نوین یاددهی است.

با شرح مطالب پیشین، هدف این مطالعه بررسی برخی عوامل فردی مؤثر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس معلمان زن استان ایلام است. فرضیات پژوهش نیز عبارتند از: بین نگرش و استفاده از روش‌های نوین تدریس رابطه وجود دارد. بین سطح تحصیلات و استفاده از روش‌های نوین تدریس تفاوت وجود دارد. بین دوره تحصیلی و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس تفاوت وجود دارد. بین سن و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس رابطه وجود دارد. بین سنوات خدمت و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس رابطه وجود دارد. بین مسئولیت اجتماعی و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-همبستگی انجام شد و از نظر نوع تحقیق نیز، کاربردی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه اول و دوم استان ایلام در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. کل جامعه آماری ۴۸۰۰ معلم زن بودند که با توجه به جدول مورگان، حجم نمونه ۳۲۰ نفر (با ترکیب ۱۲۰ نفر ابتدایی، ۱۰۷ نفر متوسطه اول و ۹۳ نفر متوسطه دوم) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابتدا چند منطقه و شهرستان به تصادف انتخاب شدند در مرحله بعد مدارس هر منطقه تعیین و معلمان مدارس منتخب مورد پرسش قرار گرفتند. در این تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. متغیرهای فردی پرسشنامه شامل سن، سطح تحصیلات، دوره تحصیلی، سنوات خدمت و دوره‌های ضمن خدمت بودند. همچنین دیگر متغیرها نگرش‌های معلمان و مسئولیت اجتماعی بودند. نگرش: سازمانی از اعتقادات و باورها، احساسات و تمایلات رفتاری نسبت به اشیاء، گروه‌ها، افراد و نمادهاست (هاگ و وگان، ۲۰۰۵). سنجش آن آن از سه بعد مثبت، منفی و خنثی مد نظر بوده است. گویه‌های نگرش عبارتند از: میزان اعتقاد به کارآمدی روش‌ها- میزان اعتقاد به اجرایی شدن روش‌ها- میزان استفاده از روش‌ها- میزان ناکارآمدی روش‌های نوین و میزان آشنایی با روش‌های نوین تدریس. مسئولیت اجتماعی: عبارت است از میزان الزام معلم نسبت به به کارگیری مطلوب‌ترین روش‌ها در جهت وظیفه حرفه‌ای خود. برای سنجش آن از دو بعد فرصت انتقاد (گویه‌ها: فرصت انتقاد به دانش‌آموزان نسبت به روش تدریس خود- میزان احساس وجدان خود نسبت به اثربخشی روش تدریس و میزان توجه به خواست دانش‌آموزان در تدریس) و نظارت عوامل مدرسه (گویه‌ها: میزان تمایل از نظارت مدیر و معاون نسبت به تدریس و میزان مفید دانستن نظارت‌ها) استفاده شده است. برای سنجش متغیر شرکت در دوره‌های ضمن خدمت نیز میزان ساعاتی که معلم گواهی‌نامه در دوره‌های تخصصی دریافت نموده است استفاده گردید. متغیر وابسته روش‌های نوین تدریس نیز شامل روش‌های پرسش و پاسخ- اکتشافی-

بارش مغزی- تدریس گروهی- تدریس نمایشی- تدریس با پاورپوینت- تدریس با نمایش فیلم- تدریس با نمایش انیمیشن و تدریس با کمک فناوری است که با مقیاس ۵ قسمتی لیکرت (بسیار زیاد- زیاد- تا حدی- کم و بسیار کم) استفاده شده است. برای اعتبار پرسشنامه علاوه بر اینکه پرسشنامه بعد از تهیه در اختیار اساتید و محققانی که تجربه کار در موضوع داشتند قرار داده شد؛ چندین پرسشنامه به صورت مقدماتی نیز توزیع و نواقص بر طرف شدند و برای پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که میانگین آن حدود ۰/۸۴ حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

در نمونه بیشترین سن مربوط به گروه سنی ۴۰-۳۴ سال با ۴۲ درصد و کمترین مربوط به گروه سنی ۲۶-۲۰ سال با ۱۵ درصد بود. بالاترین سابقه خدمت نیز بین ۲۴-۱۹ سال با ۳۷ درصد و کمترین درصد نیز مربوط به سنوات خدمت بین ۶-۱ سال بود. از نظر سطح تحصیلات، لیسانس با ۴۹ درصد و دیپلم با ۱۱ درصد به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین بودند. حدود ۳۷/۵ در دوره تحصیلی ابتدایی، ۳۳ و ۲۹/۵ درصد نیز در دوره‌های متوسطه اول و دوم مشغول تدریس بودند. از نظر گذراندن دوره‌های تخصصی مربوط به روش تدریس نیز حدود ۲۹ درصد تا ۴۰ ساعت و حدود ۲۱ درصد نیز کمتر از ۲۰ ساعت گذرانیده و حدود ۱۵ درصد نیز هیچ ساعتی نداشتند.

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۲) بین سن و به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معناداری وجود دارد. میزان این رابطه با ۰/۵۵- نشان دهنده نوع رابطه معکوس بین این دو متغیر است. به عبارتی با افزایش سن، میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس معلمان زن پایین می‌رود و با کاهش سن، میزان به کارگیری روش‌های نوین افزایش پیدا می‌کند. بین سنوات خدمت و به کارگیری روش‌های نوین تدریس نیز رابطه معناداری وجود دارد. میزان این رابطه با ۰/۴۵- نشان دهنده رابطه معنادار و معکوسی بین این دو متغیر است. این میزان همبستگی منفی مؤید این است هر چه سنوات خدمت معلمان پایین‌تر باشد از روش‌های نوین تدریس بیشتر و هر چه سابقه خدمت بیشتر باشد از روش‌های نوین تدریس کمتر استفاده می‌کند (جدول ۱).

بین سطح تحصیلات و میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به رقم ۰/۴۷- رابطه معکوس دو متغیر نشان دهنده این است هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد به کارگیری روش‌های نوین تدریس معلمان زن کمتر و هر چه سطح تحصیلات پایین‌تر باشد میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس افزایش پیدا می‌کند (جدول ۱). رابطه بین دوره‌های ضمن خدمت و به کارگیری روش‌های نوین تدریس تأیید نشد. با توجه به سطح معناداری که بالاتر از ۰/۰۵ است بین دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد (جدول ۱).

رابطه بین مسئولیت اجتماعی و به کارگیری روش‌های نوین تدریس تأیید شد. میزان همبستگی دو متغیر ۰/۴۸ حاصل شد. به عبارتی با افزایش مسئولیت اجتماعی معلمان می‌توان شاهد افزایش به کارگیری بیشتر روش‌های نوین تدریس بود (جدول ۱). رابطه بین نگرش معلمان و به کارگیری روش‌های نوین تدریس نیز تأیید شد. میزان همبستگی دو متغیر ۰/۷۱ حاصل شد که در بین دیگر متغیرها بیشترین میزان همبستگی با متغیر وابسته داشت. به عبارتی هر چه نگرش معلمان نسبت به روش‌های نوین تدریس مثبت تر باشد میزان به کارگیری افزایش پیدا می‌کند (جدول ۱).

جدول ۱. همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

نتیجه	P	شدت ضریب	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
پذیرش فرض تحقیق	۰/۰۰۰	-۰/۵۵	متوسط	توانایی حل مسئله	سن
پذیرش فرض تحقیق	۰/۰۰۰	-۰/۴۵	متوسط		سابقه خدمت
پذیرش فرض تحقیق	۰/۰۰۰	-۰/۴۷	متوسط		سطح تحصیلات
رد فرض تحقیق	۱۳/۳	۰/۱۰	ضعیف		دوره‌های ضمن خدمت
پذیرش فرض تحقیق	۰/۰۰۰	۰/۴۸	متوسط		مسئولیت اجتماعی
پذیرش فرض تحقیق	۰/۰۰۰	۰/۷۱	قوی		نگرش

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۲) بین دوره تحصیلی معلمان و به کارگیری روش‌های نوین تدریس نیز تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان مطمئن بود حداقل در دو گروه تفاوت میانگین وجود دارد. اما هنوز نمی‌توان قضاوت کرد بین چه گروه‌هایی این تفاوت وجود دارد.

جدول ۲. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای تعیین معناداری تفاوت میانگین سه گروه

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	P
دوره ابتدایی	۲/۹۷	۱/۱۳		
دوره متوسطه اول	۲/۱۱	۸۶/۲۰	۳۰/۱۳	۰/۰۰۰
دوره متوسطه دوم	۱/۷۶	۸۰/۷۲		

نتایج به دست آمده در جدول (۳) نشان می‌دهد در مقایسه زوجی بین سه گروه، دوره ابتدایی با متوسطه اول و دوم تفاوت دارد. با توجه به سطوح معناداری می‌توان گفت تفاوت دوره ابتدایی با دوره‌های متوسطه معنادار است اما بین خود دوره‌های متوسطه معنادار نیست. در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین دو گروه از سه گروه مقاطع تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳. تعیین مقایسه زوجی دوره تحصیلی معلمان و به کارگیری روش‌های نوین تدریس

سطح معناداری	خطای انحراف استاندارد	(I-J) تفاوت میانگین‌ها	گروه (J)	گروه (I)
۰/۰۰۰	۱۵/۵۴	۰/۸۶	متوسطه اول	ابتدایی
۰/۰۰۰	۱۶/۸۳	۱/۲۰	متوسطه دوم	ابتدایی
۰/۰۰۰	۱۵/۵۴	-۰/۸۶	ابتدایی	متوسطه اول
۰/۰۵۶	۱۸/۲۳	۰/۳۵	متوسطه دوم	متوسطه اول
۰/۰۰۰	۱۶/۸۳	-۱/۲۰	ابتدایی	متوسطه دوم
۰/۰۵۶	۱۸/۲۳	-۰/۳۵	متوسطه اول	متوسطه دوم

معناداری در سطح ۰/۰۵

برای پیش‌بینی تأثیر مجموع متغیرهای تحقیق نسبت به به کارگیری روش‌های نوین تدریس از مدل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج دو جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهند در ابتدا اولین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است نگرش است که ضریب تعیین آن ۰/۵۰ می‌باشد. در مدل‌های دوم تا چهارم نیز به ترتیب متغیرهای سن، دوره تحصیلی و سطح تحصیلات قرار دارند. به عبارتی دیگر، متغیرهای باقی مانده در مدل چهارم توانسته‌اند به میزان ۰/۶۰ واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. ضریب تعیین $R^2=0/60$ است. همچنین متغیرهای سنوات خدمت، دوره‌های ضمن خدمت و مسئولیت اجتماعی در مدل حذف شدند.

جدول ۴. خلاصه نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی به کارگیری روش‌های نوین تدریس

خطای استاندارد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	همبستگی	مدل
۰.۷۸۱	۰.۵۰۴	۰.۵۰۶	۰.۷۱۱ ^a	۱
۰.۷۲۹	۰.۵۶۸	۰.۵۷۲	۰.۷۵۶ ^b	۲
۰.۷۱۱	۰.۵۸۹	۰.۵۹۵	۰.۷۷۱ ^c	۳
۰.۷۰۳	۰.۵۸۹	۰.۶۰۶	۰.۷۷۸ ^d	۴

a. پیش‌بین‌کننده (ثابت):

b. نگرش، سن (ثابت): پیش‌بین‌کننده

c. نگرش، سن، دوره: پیش‌بین‌کننده (ثابت)

d. نگرش، سن، دوره، تحصیلات: پیش‌بین‌کننده (ثابت)

$$R^2 = 0.606 \quad R = 0.777$$

بر اساس نتایج جدول ۵ می‌توان در نهایت معادله رگرسیونی را به صورت زیر نشان داد: $Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + \dots$

$$y = 2.691 + 0.130(\text{نگرش}) - 0.031(\text{سن}) - 0.205(\text{دوره}) - 0.134(\text{تحصیلات})$$

جدول ۵. سطوح معناداری و ضرایب رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی به کارگیری روش‌های نوین تدریس

سطح معناداری	t	ضرایب تعدیل شده		ضراب تعدیل نشده		مدل
		ضریب تعیین	خطای استاندارد	B		
۰.۶۶۷	۰.۴۳۰			۰.۱۶۶	۰.۰۷۲	۱
۰.۰۰۰	۱۴.۹۴۳	۰.۷۱۱		۰.۰۱۳	۰.۱۹۱	
۰.۰۰۰	۵.۳۶۱			۰.۳۴۱	۱.۸۲۹	۲
۰.۰۰۰	۱۱.۶۸۱	۰.۵۸۱		۰.۰۱۳	۰.۱۵۶	
۰.۰۰۰	-۵.۷۸۳	-۰.۲۸۸		۰.۰۰۶	-۰.۰۳۶	سن
۰.۰۰۰	۶.۴۱۶			۰.۳۶۲	۲.۳۲۱	
۰.۰۰۰	۱۰.۲۳۳	۰.۵۲۴		۰.۰۱۴	۰.۱۴۱	۳
۰.۰۰۰	-۵.۴۲۰	-۰.۲۶۵		۰.۰۰۶	-۰.۰۳۳	
۰.۰۰۱	-۳.۴۷۲	-۰.۱۶۶		۰.۰۶۶	-۰.۲۲۹	دوره
۰.۰۰۰	۶.۹۴۲			۰.۳۸۸	۲.۶۹۱	(ثابت)
۰.۰۰۰	۹.۱۶۵	۰.۴۸۶		۰.۰۱۴	۰.۱۳۰	نگرش
۰.۰۰۰	-۴۹.۸۹	-۰.۲۵۴		۰.۰۰۶	-۰.۰۳۱	۴
۰.۰۰۲	-۳.۱۱۰	-۰.۱۴۹		۰.۰۶۶	-۰.۲۰۵	
۰.۰۱۴	-۲.۴۷۰	-۰.۱۲۲		۰.۰۵۴	-۰.۱۳۴	تحصیلات

در معادله فوق a عرض از مبدا و b شیب یا ضریب زاویه رگرسیون است. ضریب زاویه شاخص وزن تفکیکی رگرسیون است و میزان تغییر در y را در ازای یک واحد تغییر در متغیر x برآورد می‌کند. در معادله فوق فقط متغیر نگرش به صورت مثبت و سایر متغیرها به صورت منفی تغییرات در متغیر y یعنی به کارگیری روش‌های نوین تدریس را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس بود. جامعه آماری شامل کل معلمان شاغل استان ایلام با حجم نمونه ۳۲۰ معلم زن در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود که با انتخاب تصادفی انتخاب شدند. نتیجه آزمون همبستگی نشان داد بین سن و میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. یعنی با افزایش سن میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس کاهش و با کاهش سن میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس افزایش می‌یابد. نتیجه این فرضیه با تحقیقاتی مانند اسکافی و قیس (۱۳۹۱)، شیخ‌پور و سعیدی گراغانی (۱۳۹۳)، آقاملایی و فرج الهی (۱۳۸۶) همسوست. در تبیین این یافته باید اشاره کرد ممکن است با افزایش سن از میزان تمایلات و جهت‌گیری‌های مترقی معلمان به دلایل متعدد مانند عدم رضایت شغلی و چالش‌های معیشتی و ... کاسته شود و همین فرایند به کم میلی و عدم به کارگیری روش‌های نوین تدریس بینجامد.

رابطه بین سنوات خدمت و میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس نیز معنادار و معکوس بود. یعنی آشکار شد معلمانی که در سطوح بالای خدمت خود هستند کمتر و معلمانی که در سنوات خدمت پایین‌تری هستند بیشتر از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کنند. مطالعاتی نظیر آقاملایی و فرج الهی (۱۳۸۶)، قره‌خانی (۱۳۹۳)، ذاکری و همکاران (۱۳۹۰)، اسکافی و قیس (۱۳۹۱) و شیخ‌پور و سعیدی گراغانی (۱۳۹۳) نیز چنین نتیجه گرفته‌اند. در تبیین این رابطه باید اشاره کرد ممکن است معلم در طول سنوات اولیه خود تجاربی متضاد با اهداف مورد انتظار خود کسب کند همین تجارب ناخوشایند می‌تواند در ادامه سنوات خدمت بر کیفیت و توان آموزشی وی تأثیر به سزایی بر جای بگذارد.

نشان داده شد که بین سطح تحصیلات و میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس رابطه معنادار ولی منفی (معکوس) وجود دارد. یعنی نمی‌توان گفت سطح مدارک تحصیلی بالاتر به به کارگیری بیشتر روش‌های نوین تدریس منجر می‌شود. بلکه معلمان با مدارک تحصیلی پایین‌تر نسبتاً بیشتر به به کارگیری روش‌های نوین تدریس مبادرت کرده‌اند. این یافته با نتایج مطالعاتی مانند ذاکری (۱۳۹۰)، آقاملایی و فرج الهی (۱۳۸۶)، آبیاری (۱۳۸۴)، وحدتی (۱۳۸۱)، همسو است. اما از این جهت نیز متفاوت است که آنان رابطه مستقیم و مثبتی متصور شده‌اند. در باب تبیین یافته حاضر می‌توان گفت بسیاری از معلمان به ارتقای مدرک تحصیلی به منزله «ترمیم معیشتی» نگاه می‌کنند به عبارتی هدف اصلی می‌تواند استفاده از مزایای مادی آن باشد. ادعای دوم «ترمیم منزلتی» یا به زعم بورديو خلق سرمایه فرهنگی نهادین است. سرمایه فرهنگی نهادین بر گواهی‌های تحصیلی و مدرک و یا کیفیاتی که افراد از مؤسسات مهم دریافت می‌کنند اشاره دارد (مینگ و هسیه، ۲۰۱۳). لذا نمی‌توان گفت به صورت الزام‌آوری ارتقای مدرک تحصیلی با افزایش میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس همراه است. یافته دیگر رابطه بین دوره تحصیلی معلمان (ابتدایی، متوسطه اول و دوم) و میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس بود. مشخص شد آموزگاران دوره ابتدایی، نسبتاً کمی بیشتر از دبیران متوسطه اول و دوم از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کنند. یکی از دلایلی که برای به کارگیری بیشتر روش‌های نوین تدریس توسط آموزگاران دوره ابتدایی مطرح ساخت این است که مطالب دوره ابتدایی نسبت به متوسطه، بیشتر با به کارگیری روش‌های نوین سازگارتر است. نکته دیگر این است که معمولاً یکی از شرایطی که معلم را نسبت به به کارگیری روش‌های نوین تدریس راغب می‌سازد جو کلی کلاس است. به دیگر سخن در دوره ابتدایی کنترل کردن دانش‌آموزان بسیار راحت‌تر است اما در دوره متوسطه این امر دشوارتر و برای معلمان توأم با خستگی زیاده‌تری است.

رابطه بین نگرش معلم و به کارگیری روش‌های نوین تدریس نیز تأیید شد که بالاترین ضریب همبستگی را به خود اختصاص داد. این یافته با مطالعات رافائل (۲۰۱۷)، کالین و گرین (۲۰۱۱)، گوش و بایرگیا (۲۰۱۰)، بنجامین و همکاران (۲۰۱۳)، نایک

و پتی^۱ (۱۹۹۷)، لِتچتا و داگ نیو (۲۰۰۹)، ساجا (۲۰۰۷)، ذاکری (۱۳۹۰)، همسو است. ایرمر در باب نگرش‌های معلم معتقد است معلمانانی که نگرش مثبت و مطلوب و از دانش و مهارت لازم برخوردار هستند؛ بدون توجه به موانع پیش‌روی خود به استفاده از روش‌های نوین تدریس مبادرت می‌کنند (ایمر و همکاران، ۲۰۱۰). نگرش معلم به سان تعیین‌کننده‌ای مهم و اولویت بخش است. به عبارتی میزان به کارگیری روش‌های نوین تدریس به میزان نزدیکی یا دوری نگرش معلم به کارایی روش‌های نوین تدریس بسته است. هرچه نگرش در طیف مثبت باشد می‌توان شاهد به کارگیری بیشتر روش‌های نوین و به همین سان در طیف مخالف، عکس آن بود.

یافته دیگر رابطه مسئولیت اجتماعی و به کارگیری روش‌های نوین تدریس بود. مسئولیت‌پذیری دارای شاخص‌هایی از قبیل اهمیت دادن به وظایف، بر عهده گرفتن عواقب رفتار، پاسخ‌گویی و قابل‌اعتماد بودن است (احمدی، ۱۳۹۲: ۸۹-۱۸۸). در تبیین آن می‌توان به وجدان اخلاقی و حرفه‌ای معلمان اشاره کرد. چنانچه در وجود معلم به کارگیری مطلوب‌ترین و کارآترین روش‌های تدریس نهاده شده باشد می‌توان شاهد آن بود. از دیگر سو، مطالبه‌گری دانش‌آموزان و اولیا نیز می‌تواند در ساحت مسئولیت معلم باشد اگر این درخواست و نظارت از سوی عوامل خارج کلاس نظیر اولیاء و عوامل اجرایی مدرسه نیز وجود داشته باشد احتمالاً معلم بیشتر به سمت به کارگیری روش‌های نوین تدریس خواهد رفت.

رابطه بین دوره‌های ضمن خدمت و به کارگیری روش‌های نوین تدریس تأیید نشد. این یافته با تحقیقات آقاملایی و فرج‌الهی (۱۳۸۶) و آبیاری (۱۳۸۴) سازگار نیست. در این خصوص دو نکته قابل طرح است: نخست در تحقیقات فوق معلوم نیست متغیر دوره‌های ضمن خدمت چگونه سنجیده شده است آیا در بعد نگرشی یا در مطالعه حاضر که میزان ساعات تخصصی که معلم گذرانده ملاک بوده است. با این اوصاف، عمده دوره‌های ضمن خدمت مربوط به مواد درسی و نه روش‌های تدریس هستند و یا به بیان صریح مواد دوره‌های ضمن خدمت، اندک ارتباطی با روش‌های نوین تدریس دارند. همین می‌تواند یکی از دلایل ناکارآمدی دوره‌های ضمن خدمت باشد. از طرفی، چند سالی است نظام اجرایی دوره‌های ضمن خدمت دستخوش تغییر شده و عمدتاً به صورت مجازی برگزار می‌گردد همین امر می‌تواند نقطه عدم اثرگذاری آن را برجسته نماید.

پژوهش حاضر اگرچه از نظر نمونه و وسعت مکانی با محدودیت روبه‌رو است اما لازم است تحقیقات دیگری در شرایط و مکان‌های مختلف کشور انجام شود. همچنین لازم به یادآوری است متغیرها و عوامل بسیار زیادی در به کارگیری روش‌های نوین تدریس دخالت دارند اما بنا بر محدودیت در اینجا برخی از مهم‌ترین آنها بررسی شد لذا محققین می‌توانند متغیرهای دیگری در تحقیقات خود بیفزایند.

در جهت پیشنهاد برای محققین آینده لازم است مطالعه کیفی از دیدگاه و تجربه زیسته معلمان در تکمیل و تقویت یافته‌های کمی انجام شود. راجع نتایج فرضیات اول و دوم پیشنهاد می‌شود با توجه به افزایش سن و سنوات معلمان و میل کمتر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس، نظارت‌های کلاسی از یک طرف بیشتر شود و از سوی دیگر تشویق‌های این گروه‌های سنی بیشتر شود. در مورد فرضیه سوم اگرچه با قطعیت نمی‌توان ادعا کرد که افراد با سطح تحصیلات بالاتر الزاماً کمتر در به کارگیری روش‌های نوین تدریس نقش دارند؛ اما می‌توان پیشنهاد کرد تحقیقات دیگری در نقاط مختلف کشور انجام و آنگاه اظهار نظر دقیق‌تری نمود.

با عنایت به نتیجه فرضیه چهارم مبنی بر تفاوت دوره‌های تحصیلی در به کارگیری روش‌های نوین تدریس پیشنهاد می‌شود گروه‌های آموزشی مناطق بیشتر بر روند بازدیدها نظارت داشته باشند. دیگر در ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان متوسطه، موضوع به کارگیری روش‌های نوین تدریس مورد تأکید و تشویق قرار گیرد. در باب دوره‌های ضمن خدمت اگرچه فرضیه تأیید نشد یعنی رابطه معناداری بین دو متغیر حاصل نگشت. اما با توجه به اینکه بیشتر پرسش‌شوندگان کم یا خیلی

کم در دوره‌های ضمن خدمت شرکت کرده بودند و همچنین بیشتر دوره‌های گذرانده شده مربوط به روش‌های تدریس نبود، پیشنهاد می‌شود یک بسته دوره تخصصی مربوط به روش‌های نوین تدریس و نحوه تدریس آنها برگزار شود. دوم جهت ایجاد انگیزه به شرکت کنندگان موفق، گواهی روش‌های نوین تدریس داده و در ارزیابی امتیازات معلمان لحاظ شود. با توجه به نتیجه فرضیه مسئولیت اجتماعی پیشنهاد می‌شود هر هفته مسئولان مدرسه بر تدریس معلمان نظارت داشته باشند. همچنین در راستای حق دانش‌آموز باید مدیر زمینه‌ای فراهم کند که دانش‌آموزان نحوه تدریس دبیر خود را گزارش دهند. سرانجام با توجه به اینکه مشخص شد نگرش‌ها مهم‌ترین متغیری بود که هم از همبستگی بالا و هم از قدرت پیش‌بینی کننده بالایی برای به کارگیری روش‌های نوین تدریس برخوردار است لذا جا دارد مسئولین نظام آموزش و پرورش در جهت تقویت نگرش مثبت و تقلیل نگرش منفی نسبت به روش‌های تدریس نوین گام بردارند. پیشنهاد می‌شود دوره‌های تخصصی روش‌های نوین تدریس اجرا شود به گونه‌ای که فارغ از کسب نمره و رفع تکلیف باشد. پیشنهاد دیگر این است معلمان زنی که به طور مدام از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کنند توسط مدیران شناسایی و مورد تقدیر قرار گیرند.



منابع

- احمدی، سیروس؛ میر فردی، اصغر؛ زارعی، قاسم. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و گرایش به صرفه‌جویی در مصرف آب»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴ (۲): ۱۸۵-۲۰۰.
- آقاملایی، حمزه و فرج الهی، مهران. (۱۳۸۶). «مطالعه عوامل تأثیرگذار بر به کارگیری شیوه‌های نوین تدریس توسط معلمان دوره ابتدایی شهرستان گرگان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۳ (۹): ۱۶۷-۱۳۱.
- آبیاری، شهناز. (۱۳۸۴). «مطالعه عوامل مؤثر بر کارایی معلمان در تدریس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس ایلام، دوره آموزشی (کارشناسی ارشد)»، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور تهران.
- اسکافی، مریم و قیس؛ عادل. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان استفاده دبیران راهنمایی از روش‌های نوین تدریس استان خراسان رضوی»، اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان رضوی معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، گروه تحقیق و پژوهش.
- ایوب فیضی، ایوب، مصر آبادی، جواد، زوار، تقی. (۱۳۹۳). «فرا تحلیل اثرات روش‌های تدریس گروهی بر بازده تحصیلی»، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ۶ (۲): ۱-۳۱.
- جلیلیان، سهیلا؛ عظیم‌پور، احسان؛ محمدی، شراره و محمدزاده، رضا. (۱۳۹۶). «میزان برخورداری معلمان مدارس هوشمند از مهارت‌های مورد نیاز تدریس با استفاده از فاوا»، مجله تدریس پژوهی، ۵ (۱): ۱۰۷-۱۲۶.
- ذاکری، علیرضا؛ رشیدحاجی خواجه‌لو؛ صالح؛ افرایی، هادی و زنگویی، شهناز. (۱۳۹۰). «بررسی نگرش معلمان نسبت به کاربرد فناوری‌های آموزشی در فرآیند تدریس»، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۶ (۲): ۱۶۵-۱۵۹.
- رحیمی‌مند، مریم و عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۵). «رابطه روش‌های تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، دوره ۱۲ (۳۹): ۱-۲۴.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شیخ‌پور، ابراهیم و سعیدی گراغانی، عباس. (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر استفاده از روش تدریس فعال درس هدیه‌های آسمانی در دوره ابتدایی از دیدگاه آموزگاران»، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مروتدشت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- قره‌خانی، حسن؛ سلیمانی، مجید و سلیمانی، عباس. (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل مؤثر در استفاده روش‌های فعال تدریس از سوی دبیران تربیت بدنی استان ایلام»، پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۱۱ (۲۲): ۱۷۶-۱۶۹.
- محمودی، فیروز. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی دبیران با کیفیت آموزشی آنها و پیشرفت تحصیلی فراگیران دوره متوسطه شهر تبریز با تأکید بر روش فلندرز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی تبریز.
- وحدتی، مهدی. (۱۳۸۱). «تحلیل محتوای پنجاه شماره نشریه گزیده مطالب آماری گزیده مطالب آماری» ۵۲ (۲): ۱-۲۰.
- Ayeni A J. (2011), "Teachers professional development and quality assurance in Nigerian Secondary Schools," World Journal of Education, 1 (2):143-149.
- Bebell D, Kay R. (2010). One to one computing: A summary of the quantitative results from the Berkshire Wireless Learning Initiative. The Journal of Technology, Learning and Assessment, 9 (2): 45-63.
- Benjamin D J, Brown S A, Shapiro J M. (2013). »Who is 'behavioral'? Cognitive ability and anomalous preferences«. Journal of the European Economic Association, 11 (6), pp.1231-1255.

- Bratianu C. (2007). Thinking patterns and knowledge dynamics. In Remenyi, D. (Ed.). *Proceedings of the 8th European Conference on Knowledge Management*, 6 (7):152- 156
- Conțu E G. (2017). The role of classical and modern teaching methods in business education. In *Proceedings of the International Conference on Business Excellence* 11 (1): 276-283.
- Cullen T A, Greene A. (2011). Preservice teachers' beliefs, attitudes, and motivation about technology integration. *Educational Computing Research*, 29 (1): 45-47.
- Drent M, Meelissen M. (2008). Which factors obstruct or stimulate teacher educators to use ICT innovatively? *Computers & Education*, 51 (1): 187-199.
- Ertmer P A, Ottenbreit-Leftwich A T. (2010). Teacher technology change: How knowledge, confidence, beliefs, and culture intersect. *Journal of Research on Technology in Education*, 42 (3): 255-284.
- Falloon G. (2010). Using avatars and virtual environments in learning: What do they have to offer?. *British Journal of Educational Technology*, 41 (1): 108-122.
- Jyoti J. Sharma R D. (2006). Job satisfaction among school teachers. *IIMB anagement Review*, 18 (4):349-363.
- Judson E. (2010). How teachers integrate technology and their beliefs about learning: Is there a connection? *Journal of Technology and Teacher Education*, 14 (3): 518- 597.
- Ghosh S, Bairgya S. (2010). Attitude of secondary school teachers towards teaching profession in relation to some demographic variables, *Edusearch* 1 (1): 55-58.
- Hogg M, Vaughan G. (2005). *Social psychology* (4th ed.). London: Prentice Hall.
- Lemke C. (2010). Digital natives as pre-service-teachers: What technology preparation is needed? *Journal of Computing in Teacher Education*, 25 (3): 87-97.
- Latchanna G, Dagnew A. (2009). Attitude of teachers towards the use of active learning methods. *E-journal of All India Association for Educational Research*, 21 (1):1-4.
- Loyd B H, Gressard C. (1984) The effects of sex, age, and computer experience on computer attitudes, *AEDS Journal*, 18 (2):67-77.
- Meng H J, Hsieh H F. (2013). Using cultural capital to analyse the digital divide experienced by students living in remote areas. *Global Journal of Engineering Education*, 15 (2): 82-87.
- Naik A K. & Pathy, M. K. (1997). A study of the attitudes of secondary school science teachers towards teaching of science, *School Science*, 35 (2): 59-62.
- Padel S. (2001): Conversion to organic farming: a typical example of the diffusion of an innovation, *Sociologia Ruralis*, 41 (12): 40-61.
- Rana R. (2011). Research trends in library and information science in India with a focus on Panjab University, Chandigarh", *The International Information & Library Review*, Volume 43, Issue 1, Available at <http://www.Sciencedirect.com>, Research Laboratory (PRL), Ahmedabad, India.
- Raphael C, Mtebe S. (2017). "Pre-Service Teachers' Self-Efficacy Beliefs Towards Educational Technologies Integration in Tanzania." *Journal of Learning for Development-JL4D* 4 (2): 120-129.
- Sivakumar Ramaraj P. (2018). teaching attitude toward teaching profession in relation to their self-concept, *Journal of Contemporary Educational Research and Innovations*, 8 (3): 283-288.

- Stevens E, Brown R. (2011). Lessons learned from the holocaust: Blogging to teach critical multicultural literacy. *Journal of Research on Technology in Education*, 44 (1): 31-41.
- Suja K. (2007). Interaction effect of attitude towards teaching, interest in teaching and teaching experience of job commitment of primary school teachers. M.Ed Thesis. University of Calicut.
- Thersal L K, Benjamin A E W. (2011). Attitude towards teaching profession and self-esteem among student-teachers, *New Frontiers in Education*, 44 (3): 257-260.
- Tănase T, Nicoleta C. (2013). The impact of social responsibility of corporations upon the marketing from Romania., from: www.mecomonomics.org.
- Tebabal A, Kahssay G. (2011), "The effects of student-centered approach in improving students' graphical interpretation skills and conceptual understanding of kinematical motion," *Lat. Am. J. Phy. Edu*, 5 (2): 374-381.
- Umar I N, Mohd Yusoff M T. (2014). A Study on Malaysian Teachers Level of ICT Skills and Practices, and its Impact on Teaching and Learning . *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116 (3): 979-984.
- Yang D.C, Tsai, Y.F. (2010). Promoting sixth graders' number sense and learning attitudes via technology-based environment. *Educational Technology and Society*, 13 (3): 112-125.
- Zhang X, Yu P, Yan J, Spil I T A. (2015). Using diffusion of innovation theory to understand the factors impacting patient acceptance and use of consumer e-health innovations: a case study in a primary care clinic. *BMC health services research*, 15 (1): 71-79.



Factors affecting the use of new teaching methods among female teachers in Ilam province

Hassan Momeni^{1*}

Behrooz Sepidnameh²

Zahra Hassanpour Amnieh³

Abstract

Purpose: The purpose of the present paper was to study factors affecting the application of modern teaching methods by female teachers of Ilam Province.

Methodology: The research is being conducted descriptively and is of a correlational type and an applied one. The statistical population includes about 4800 teachers, out of which 320 (sample size) were selected through cluster sampling. The main tool for collecting data was questionnaire which was validated and its reliability (Cronbach's alpha) was 0.84. The statistical tests including correlation test, one-way analysis of variance, and multiple regression were used to analyze the data.

Findings: The results indicated that age ($P=0.000$, $R=-0.55$), level of education ($P=0.000$, $R=-0.47$), and length of service ($P=0.000$, $R=-0.45$) have significant, negative relationship with application of modern teaching methods. Variables of social responsibility ($P=0.000$, $R=0.48$) and attitude ($P=0.000$, $R=0.71$) have significant, positive relationship with application of modern teaching methods. One-way analysis of variance showed that there is a significant relationship between teachers' teaching level and the application of modern teaching methods, such that elementary-school teachers used modern teaching methods more than high-school teachers. In-service training course ($P=0.133$, $R=0.10$) was the only variable having no relationship with the dependent variable. The results of regression analysis showed that the four remaining variables of the model, i.e. attitude, age, teaching level, and level of education, could explain about 0.60 of variance of the dependent variable.

Conclusion: Considering the fact that teachers' attitude plays the greatest part in prediction of application of modern teaching methods, the Education System authorities should take measures to change teachers' attitude towards modern teaching methods.

Key words: female teachers, modern teaching methods, personal factors, attitudes

1 Master of Sociology, Tehran Faculty of Social Sciences, Tehran, Iran (corresponding author).
hasan1841@gmail.com

2 Assistant Professor and Faculty Member of Social Sciences Department, University of Ilam, Ilam, Iran.

3 Phd in general practitioner, Islamic Azad university, Najaf Abad branch, Najaf Abad, Iran.